

Unit 5 book 3

آشنا شدن

آشنا شدن شناختن چیزی یا کسی است.
نانسی خودش را با رایانه جدید آشنا کرد.

قبرستان

یک گورستان جایی است که مردم هنگام مرگ دفن می شوند.
بعضی از مردم از گورستان می ترسند.

نفرین کردن

نفرین کردن شخص یا چیزی به معنای امید به این است که اتفاقات بدی برای او رخ دهد.
جادوگر، دهکده را نفرین کرد.

لباس مبدل

لباس مبدل چیزی است که شما می پوشید بنابراین مردم نمی توانند بگویند شما کی هستید.
همه می دانستند که این بابا در لباس مبدل بابانوئل است.

فانتزی

اگر چیزی فانتزی باشد ، بهتر از حالت طبیعی است.
سفره آنها همه برای یک شام فانتزی چیده شده بود.

چراغ قوه

چراغ قوه یک نور الکتریکی کوچک است که شما آن را در دست خود حمل می کنید.
وقتی اردو زدیم چراغ قوه گرفتیم.

کلاه

کلاه بخشی از کت است که بالای سر شما می رود.
او کلاه خود را پوشید تا سرش گرم شود.

مقیم

ساکن به شخصی گفته می شود که در مکان خاصی زندگی می کند.
تعداد ساکنان روستاها در حال افزایش است.

تغذیه کردن

تغذیه چیزی یعنی دادن غذایی که برای زندگی به آن احتیاج دارد.
یک مادر خوب هر روز کودک خود را تغذیه خواهد کرد.

دزد دریایی

دزد دریایی ملوان است که چیزهای دیگر قایق ها را می دزد.
دزدان دریایی شخصیت های بسیار ترسناکی هستند.

نشریه

نشریه چیزی است چاپ شده ، مانند روزنامه یا کتاب.

او بیش از ده سال خواننده آن نشریه بوده است.

معما

معما سوالی است که پاسخ دادن به آن دشوار است اما به معنای خنده دار بودن آن است. من نمی توانستم به معمای وندی پاسخ دهم ، اما این باعث خنده من شد.

پوسیدن

وقتی چیزی می پوسد ، آرام آرام نرم می شود و از بین می رود. کنده قدیمی در جنگل شروع به پوسیدن کرد.

ترساندن

ترساندن به این معنی است که فرد احساس ترس می کند. از دیدن هیولا ترسیدم.

به زودی

اگر اتفاقی به زودی رخ دهد ، خیلی زود اتفاق می افتد. روز کاری من به زودی به پایان می رسد.

اسکلت

اسکلت استخوان های بدن است. یک اسکلت در کلاس علوم وجود دارد.

از بین بردن

اگر چیزی خراب شود ، بد می شود یا پوسیده می شود. ما میوه را خیلی طولانی کنار گذاشتیم و خراب شد.

گرسنگی کشیدن

اگر فردی گرسنه بماند ، به اندازه کافی غذا نمی خورد و گاهی می میرد. در طول جنگ ، بسیاری از مردم گرسنه بودند.

هیجان

هیجان احساسی هیجان انگیز است. پسران از هیجان موج سواری بسیار لذت می برند.

شریر

اگر چیزی شرورانه باشد ، بسیار بد یا شر است. رئیس من مردی بسیار شرور است.

ترفند یا درمان!

بسیاری از فرهنگهای مختلف درباره مردگان سنت داشته اند. مردم در مناطقی مانند ایرلند ، چین ، مصر و مکزیک معتقد بودند که ارواح به غذا احتیاج دارند. آنها فکر کردند که این غذا در سفر از گورستان ها به بهشت آنها را تغذیه می کند. مردم مجبور بودند چیزهای خوبی برای خوردن روح تهیه کنند. با این حال ، اگر غذا پوسید یا خراب شد ، روح عصبانی می شد. روح شریر ممکن بود خانواده را نفرین کند و آنها را در زمستان گرسنه کند.

در جاهای دیگر ، مردم در تعطیلات غذا می خواستند که به یاد روح مقدسین مرده باشد. مردم لباس های مبدل خود را

با کلاه هایی می پوشیدند که صورت آنها را می پوشاند. اگر به غذا میرسیدند ، در خانه نیرنگ بازی می کردند. به همین دلیل ، این فعالیت به عنوان "ترفند درمانی" شناخته می شود. اندکی پس از آنکه مردم برای اولین بار ترفند یا معاشرت را آغاز کردند ، والدین در آن روز فرزندان خود را برای گدایی فرستادند. زنان خانه دار در صورت اجرای آهنگ یا رقص به کودکان غذا می دادند. وقتی مردم از سراسر جهان به آمریکا نقل مکان کردند ، این سنت را با خود آوردند. ساکنان روستاها از اوایل دهه 1900 اقدام به کلاهبرداری کردند. در سال 1939 یک نشریه کودکان کل کشور را با این سنت آشنا کرد. بسیار محبوب شد.

امروزه افراد فریبکار غذا طلب نمی کنند و از روح نمی ترسند. آنها فقط از هیجان لباس پوشیدن مانند موجودات و آبنبات گرفتن لذت می برند. ارواح و اسکلت ها لباس های مورد علاقه هستند. اما برخی از کودکان مانند دزدان دریایی از لباس مبدل های شیک استفاده می کنند. آنها به جای آتش چراغ قوه حمل می کنند. در بعضی جاها کودکان هنوز برای بدست آوردن آب نبات آهنگ یا معما اجرا می کنند. اما بیشتر اوقات ، آنها فقط می گویند "ترفند یا شکلات!"